

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم از این آیه شریفه که معروف هست (مخصوصاً در کتب قدما) به آیه حجاب، آنچه که بدواً به ذهن می‌رسد و از قرائن قبل و بعد آیه استفاده می‌شود این است که این آیه مربوط به زنهای پیامبر (ص) است. ما چه از این آیه در این مورد وجوب را استفاده کنیم یا استحباب را استفاده کنیم در هر دو صورت این مطلبی بوده مربوط به زنان پیامبر و برای رفعت و عظمت شأنی پیامبر (ص) خداوند يك چنین دستوری را صادر فرموده است.

استفاده عموم از راه قاعده اشتراك در تکلیف

اینجا ممکن است کسی مسئله قاعده اشتراك در تکلیف را مطرح کند، کما اینکه به بعضی از این رساله‌ها و نوشته جاتی که در باب حجاب نوشته شده است وقتی انسان مراجعه می‌کند می‌بیند که اینها می‌خواهند بگویند ولو آیه دلالت بر این داشته باشد که این مربوط به زنهای پیامبر هست اما قاعده اشتراك در تکلیف اینها را مربوط به عموم زنها می‌کند. عبارت اخري افرادی مثل صاحب اسداء الرغاب، برای تعمیم به ذیل این آیه استشهاد کرد «ذَلِكَمُ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» که ما از بیان ایشان جواب دادیم.

حالا اگر کسی بخواهد برای تعمیم بقاعده اشتراك در تکلیف استدلال کند و بگوید اصل اولی در تکالیف اشتراك بین الجميع است الا آنجایی که ما قرینه بر اختصاص داشته باشیم. روایات فراوانی داریم که سائلی می‌رود از امام (ع) سؤال می‌کند من نمازم را اینطور خواندم آیا باید اعاده کنم یا نه؟ می‌فرماید اعاده بکن، این روشن است که این اختصاص به آن سائل ندارد، و اشتراك در تکلیف يك قاعده مسلمی هست که اصلاً ضروری فقه است، و ضروری دین هست بالاتر از ضرورت فقه، تکالیف اختصاص به افراد معینی ندارد الا ما خرج بالدلیل یعنی اصل اولی عبارت از اشتراك است الا ما خرج بالدلیل.

حالا اگر کسی بگوید که این آیه درست است مربوط به زنهای پیامبر است اما ما روی قاعده اشتراك می‌گوییم مربوط به همه نساء مؤمنین است؛ جواب این است که اولاً ما گفتیم قرائنی که قبل و بعد از آیه وجود دارد، يك ظهوری منعقد می‌کند برای اختصاص، آیات قبل که «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ - وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» اینها قرینه است. و آیات بعدش که بعد از وفات پیامبر کسی با اینها نباید نکاح کند معلوم می‌شود که خداوند يك احکام اختصاصی را در اینجا دارد بیان می‌کند. پس ما قاعده اشتراك را قبول داریم اما بر اختصاص قرینه و دلیل داریم. ثانیاً مورد قاعده اشتراك اصلاً جایی است که يك حکمی برای عده ای که در زمان پیامبر بعنوان مسلمانان بودند، ثابت بوده، مخاطب به يك کتابی بودند «یا ایها الذین آمنوا» در زمان خود پیامبر بگوییم بصورت قضیه خارجیه، در چنین مواردی که يك حکمی در زمان پیامبر شامل تمام مؤمنین و مؤمنات آن زمان می‌شده است.

حالا ما شك می‌کنیم که آیا شامل ماها هم می‌شود یا نه؟ می‌گوییم قاعده اشتراك میگوید مربوط به همه است، ولی مورد قاعده اشتراك جایی است که در زمان صدور قطعاً شامل مخاطبین آن زمان تماماً بوده است، شامل آنهایی که حاضر در آن زمان بودند تماماً بوده. اما آیا شامل غائبین می‌شود یا شامل غائبین نمی‌شود اینجا، جایی برای جریان قاعده اشتراك است.

اما در مانحن فیه يك حکمی برای خصوص بیت پیامبر بوده، «[فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا](#)» حالا ما الان این «[فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا](#)» را سرایت به همه جاها بدهیم! بگوییم تا غذا خوردید استحباب یا لزوم انتشار وجود دارد، کما اینکه گاهی اوقات بعضی‌ها استدلال هم می‌کنند به همین آیه «[فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا](#)»، در صورتی که نمی‌شود استدلال کرد، این آیه اصلاً يك حکمی مربوط به خانه پیامبر (ص) و در آن مجموعه بوده است.

»

« جزو آیات حجاب نیست این نکته را دقت کنید با این بیانی که امروز می‌خواهیم بگوییم، می‌خواهیم به این نتیجه برسیم که اصلاً این آیه از اول نباید جزو آیات حجاب و بعنوان یکی از ادله لزوم حجاب مطرح باشد، اگر در بعضی از کتب فقهی برخی از فقهاء آمدند مطرح کردند به نظر ما صحیح نیست؛ حتی بزرگانی مثل مرحوم صاحب جواهر (ره) به این آیه شریفه به اطلاقش می‌خواهد بگوید اطلاقش اشعار به این دارد که حتی ستر وجه و کفین هم لازم است؛ تا کجا دامنه استدلال به این آیه را توسعه داده اند! خیر این آیه اصلاً ربطی به بحث حجاب ندارد؛ درست است کلمه «حجاب» در آیه آمده است اما آن حجاب مورد بحث در فقه، «حجاب» مورد بحث در فقه پوشاندن زن‌هاست، زن چه مقداری از خودش را بپوشاند، مرد چه مقداری باید بپوشاند این حجاب مصطلح در فقه است، حجاب در اینجا در مقابل لقا است، نقیضش لقا است.

در عرب جاهلیت این مرسوم بود افراد همینطور می‌رفتند در منازل یکدیگر، همینطور می‌رفتند در اتاق‌های یکدیگر، وقتی می‌آمدند سفره پهن بود می‌نشستند سر سفره با صاحب آن خانه و اهل آن خانه هم غذا می‌شدند، این مرسوم بوده در میان جاهلیت، بعد که پیامبر به نبوت مبعوث شدند باز همان مردم، همان رسم جاهلی را درست در منزل پیامبر پیاده می‌کردند، همینطور سر زده وارد منزل پیامبر می‌شدند همینطور بدون دعوت وارد می‌شدند، آیه نازل شد که «[لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ](#)» اصلاً از اول آیه مربوط به همین بیوت نبی است،

خداوند می‌خواهد جایگاه و رفعت بیت پیامبر را ذکر کند، اینها قبلاً بدون دعوت، بدون اذن قبلی وارد می‌شدند آیه نازل شد که تا به شما اذن و دعوت به طعام نکردند حق ندارید بیاید، وقتی هم که دعوت شدید بروید، وقتی هم که غذا خوردید زود بلند بشوید و بروید، این «[فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا](#)» اینها مربوط به خانه پیامبر است، نمی‌توانیم بگوییم خود آیه دارد يك حکم کلی را ذکر می‌کند که هر جا دعوت شدید غذا خوردید مستحب است بعد از غذا بلا فاصله بلند شوید و بروید، یا لازم است این کار را بکنید، از نظر صناعت استدلالی نمی‌شود چنین برداشتی را از آیه کرد.

آن وقت از همین رسوم جاهلیت هم این بود وقتی می‌رفتند در خانه نیازی به يك ظرفی، غذای، (متاع یعنی ما یتمتع به، ما ینتفع به چیزی که مورد استفاده قرار می‌گیرد) نیاز داشتند همینطور وارد اتاق زنهای پیامبر می‌شدند و می‌رفتند آنچه که مورد نیازشان بود بر می‌داشتند و می‌آوردند، یا از آنها می‌خواستند آیه نازل شد «[وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ](#)» وقتی چیزی می‌خواهید از پشت پرده از اینها بخواهید؛ سرتان را زیر نیندازید وارد اتاق زنهای پیامبر بشوید و از آنها چیزی را مطالبه کنید بلکه از وراء حجاب بخواهید. ببینید آیه در اینجا اصلاً کاری به پوشش زن ندارد؛ زن در وراء حجاب پوشش داشته باشد یا نداشته باشد.

ما ولو اینکه در جلسه قبل گفتیم که از «[لِقَوْلِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ](#)» شاید استفاده می‌شود هم تکلیف به زن‌هاست هم تکلیف به مردها ولی

بعید نیست که اصلاً بگوییم آیه يك ظهور روشنی در تکلیف به مردان دارد، می گوید شماها باید از وراء حجاب از اینها چیزی را بخواهید، نه اینکه آنها واجب است بروند وراء حجاب، ولو در ذیل آیه می گوید «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» اما آنی که ظهور روشنی در این آیه شریفه دارد این است که ما بگوییم ابتدائاً خطاب در این آیه به رجال است، به مردهاست.

بنابر این، آنچه که الان می خواهیم عرض کنیم این است که ما الان وقتی می خواهیم بگوییم که آیا حجاب بر زن واجب است یا نه؟ چه مقدار برایش واجب است؟ این آیه را ما نمی توانیم جزو آیات حجاب قرار بدهیم؛ این آیه يك رسم باطل جاهلی را آن هم در خصوص بیت پیامبر(ص) بیان می کند، حالا شاید آن موقع در بیوت خودشان این معنا لازم نبوده. یکی از دوستان کتاب «التمهید» مرحوم آقای معرفت را آوردند و ملاحظه نمودیم که ایشان هم تصریح کردند به اینکه سوره مبارکه احزاب قبل از سوره نور نازل شده است؛ ولو از جهت بیان سور در قرآن، سوره نور قبل از سوره احزاب آمده است اما زمان نزول و تاریخ نزول، سوره احزاب را سوره (90) ایشان بیان کرده است، دیگران گفته اند (88 یا 89 یا 90) ایشان فرموده اند 90 هست.

آن زمان هنوز این آیات سوره نور «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ» نازل نشده بوده، اولین دستور این بوده در خانه پیامبر وقتی می روید برای طعام سرتان را زیر نیندازید بروید داخل اتاق زنهای پیامبر، «فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» ما باشیم و این آیه ظهور روشنی دارد بر تکلیف به رجال، ما باشیم و این آیه تکلیفی را برای زنها مطرح نمی کند ولو این اثر برای زنها هم مطرح است.

پس ببینید از کجا شروع کردیم از کلمات دیگران و داریم به کجا می رسیم! دیگران می خواهند بگویند این آیه که دلالت بر وجوب حجاب دارد اولاً دلالت بر وجوب حجاب زنهای پیامبر از پشت پرده دارد.

و ثانیاً عمومیت دارد که دو بیان برای عمومیت ذکر شد و ما هردو بیان را مورد مناقشه قرار دادیم.

شواهد تاریخی بر تأیید فرمایش حضرت استاد

نکته که در اینجا ما می خواهیم عرض کنیم این که آقایان يك مقدار به تاریخ هم مراجعه کنند، ببینید ما غیر از خانه پیامبر جای دیگری نداریم که بگوییم زنهای مؤمنین حالا شاید از آن وقتی که آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» نازل شد اینها از خانه خارج نشدند، ولی غیر از زنهای پیامبر، حضرت زهرا (س) وقتی در قضیه فدک رفتند مسجد با ابا بکر احتجاج کردند آیا آنجا دستور دادند پرده ای بین حضرت زهرا و بین ابی بکر زده شود؟ البته در بعضی از نقلها دارد که ابی بکر احتراماً گفت يك پرده ای را برای حضرت بزنید، اما این آمد و شد چند بار بوده و يك بار نبوده یا آنجایی که حضرت زینب در مجلس یزید خطبه ای را خواند آیا من وراء پرده و من وراء ستر بوده؟

اساساً آیا زنها که در زمان پیامبر می آمدند از پیامبر سؤال می کردند آنها من وراء حجاب سؤال می کردند؟ اگر ما بخواهیم بگوییم این آیه يك وجوب حجابی را برای زنهای مؤمنین، برای عموم زنها بیان می کند، باید در زمان پیامبر اینها عملی می شد، ما روایات زیادی داریم زنها آمدند از پیامبر سؤالاتی کردند هیچ کجایش هم ندارد که من وراء حجاب سؤال کردند، بعد هم در زمان ائمه (ع) این معنا نبوده ما وقتی تاریخ را مراجعه کنیم بگوییم زنهای پیامبر از زمانی که «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» نازل شد دیگر در خانه بودند اصلاً بیرون نیامدند.

اما غیر از زنهای پیامبر چطور! کجای تاریخ دارد که اینها زنهای مؤمنین هر جا با مردها خواستند صحبتی کنند پرده ای زده می شد برای صحبت! بلکه خلاف این در تاریخ مطرح شده است.

پس بنابر این ما نمی توانیم بگوییم این آیه شریفه دلالت بر حجاب دارد، «فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» این تکلیف به مردهاست،

اینها اگر سرشان را زیر می‌انداختند می‌رفتند داخل اتاق زنهای پیامبر کار حرامی را انجام دادند. نکته‌ی که در اینجا وجود دارد این است که در آیه 55 دارد «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ فِي آبَائِهِنَّ» این آیه 53 که نازل شده بود، عده‌ی گفتند عجب! پس دیگر پدرهای زنهای پیامبر، برادرهای زنان، خواهرهای آنها هیچ کدام حق ندارند بروند از زنهای پیامبر بروند در حجره آنها و چیزی را بخواهند! آیه نازل شد «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ» حدود 9 گروه را استثناء کرده که اینها مانعی ندارد، جناحی نیست و اشکالی برای اینها نیست. برای زنهای پیامبر که پدرانشان بیاید، پسرانشان بیایند، برادرانشان بیایند و پسر برادرانشان بیایند پسر خواهرهایشان بیایند.

مراد از «نِسَائِهِنَّ»

«نِسَائِهِنَّ» در تفاسیر شیعه و سنی دو نوع تفسیر شده است، در تفسیر مجمع البیان «نِسَائِهِنَّ» را دو احتمال داده است، یک احتمال روایتی است از ابن عباس نقل شده است، یعنی آن زمان چون زنهای یهود و نصاری می‌آمدند خصوصیات زنهای پیامبر را می‌دیدند، می‌رفتند برای شوهرانشان نقل می‌کردند، لذا این «نِسَائِهِنَّ» یعنی زنهای مؤمنین. احتمال دوم این است که نه «نِسَائِهِنَّ» یعنی همه زنهای مؤمن و نه زنهای غیر مؤمن آلوسی هم در روح المعانی دو قول آورده است منتها قول همان روایت ابن عباس است که مراد زنان مؤمن است.

قول دوم «نِسَائِهِنَّ» یعنی زنهای از خویشان و بستگان، مادر، خواهر، دختر خواهر، خادمه‌ها که در منزل کار می‌کردند، مراد از «نِسَائِهِنَّ» این‌ها باشند. این دو احتمال که عرض کردم احتمال اولش احتمالی است که بر طبق روایت ابن عباس آمده است، احتمال دومش هم قولی است از قول مفسرین. این «نِسَائِهِنَّ» بالاخره در اینکه باید يك اضافه‌ی به اینها داشته باشد تردیدی نیست که تمام زنهای را شامل نمی‌شود. قول دومی را که صاحب مجمع البیان فرموده است که بگوییم همه زنهای مؤمن چه کافر، زنهای کافر که «نِسَائِهِنَّ» نیست، و باز بعید هم نیست که این «نِسَائِهِنَّ» بیشتر این احتمال دومی که آلوسی گفته است، همانی که در بین خودمان هم تعبیر می‌کنیم می‌گوییم زنهای خودمان، یعنی زنهای فامیل، منسوبین و بستگان، این «نِسَائِهِنَّ» ظهور در این دارد.

حالا ربما يتوهم که این آیه شریفه که می‌گوید «و لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ» این اولاً قرینه بشود بر اینکه آن تکلیف قبلی تکلیف لزومی است؛ ببینید! ما در بحث دیروز گفتیم «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» این قرینه است بر اینکه این تکلیف لزومی نیست، آیا «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ» این می‌تواند قرینه خوبی باشد برای اینکه این تکلیف لزومی است؛ بگوییم ما این را قرینه قرار بدهیم.

نکته در باب قرینه و ذی القرینه، بعد از درس دیروز به بعضی از آقایان هم عرض کردم که در يك کلام واحد نوعاً ذیل را قرینه برای صدر قرار می‌دهند، اگر شارع يك حکمی را با امر بیان کرده است «فَاسْأَلُوهُنَّ» بعد در ذیلش يك عنوانی آورده که ظهور در استحباب پیدا می‌کند، ذیل قرینه برای صدر است، صدر قرینه‌ی برای ذیل نمی‌شود، حالا يك مقدار دقیقتر هم می‌توانیم بیان کنیم، بگوییم قرینه آنی است که اظهریت از ذی القرینه دارد، آنی که اظهریت دارد، فرق نمی‌کند صدر برای ذیل یا ذیل برای صدر.

اصلاً چیزی صلاحیت برای قرینیت را دارد که اظهر از ذی القرینه باشد، برای اینکه با این اظهر در آن ظاهر ما تصرف کنیم، آیا اینجا این «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ» بگوییم دارد استثناء می‌زند، بگوییم می‌گوید این گروه اشکالی ندارد، بگوییم این قرینه روشنی است برای اینکه آن حکم حکم لزومی بوده، انصاف این است که می‌شود این را گفت یعنی این از «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» قرینیتش خیلی روشنتر است، «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ» را اگر شارع هم نمی‌فرمود کلام نقصی نداشت، صیغه امر است «فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءَ» حجاب ظهور در وجوب دارد، ما بودیم اگر این «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ» نبود می‌گفتیم «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ» قرینه می‌شود برای اینکه این وجوبی نیست، بهتر این است که من وراء حجاب از اینها چیزی را بخواهید، اما «لَا جُنَاحَ عَلَيْنَهُنَّ» این قرینه‌ی خوبی

میشود برای اینکه آن تکلیف تکلیف لزومی است.

نکته دوم آیا از آیه 55 آیا استفاده می‌شود بگوییم که این تکلیف مال زنهای پیامبر بوده چون در اینجا نمی‌گوید «[لَا جُنَاحَ عَلٰی](#) [اَبَائِهِمْ](#)» می‌گوید «[لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ](#)» بیاییم بگوییم همان حرفی که اول زدیم، بگوییم اینجا خداوند زنها را مکلف کرد که من وراء حجاب باشد، مردها را هم مکلف کرد که من وراء حجاب از اینها چیزی را مسئلت نکنند. در ابتدای بحث امروز گفتیم که «[فَاسْأَلُوْهُنَّ](#)» ظهور روشنی دارد که این تکلیف مال مردهاست، زنها در اتاق نشسته‌اند چه خبر دارد که این مرد می‌خواهد بیاید آنجا یانه! مرد باید من وراء حجاب از آنها چیزی را مسئلت نکند و بخواهد، حالا آیا این «[لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ](#)» می‌تواند قرینه باشد که نه این تکلیف اولاً و بالذات مال زنهای پیامبر است؟ به نظر ما این استفاده نمی‌شود. این «[لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ](#)» یعنی در این حکمی که ما برای زنهای پیامبر گفتیم این دارد استثناء می‌شود، نه اینکه بگوییم آقا این تکلیف برای زنهایست حالا از این تکلیف پدرانشان، برادرانشان، پسرهایشان اینها استثناء شدند اما تکلیف مال زنهایست، «[لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ](#)» یعنی بر این حکمی که ما به شما مردان در مورد زنهای پیامبر گفتیم لذا باز تکلیف اولی متوجه مردهاست آن وقت از میان مردها طوایفی از مردها را استثناء می‌کند ما به شما مردها که گفتیم همینطوری سرتان را زیر نیندازید بروید در اتاق زنهای پیامبر اما پدرانشان می‌توانند بروند، و برادرانشان می‌توانند بروند و ... بنابر این، نمی‌شود از این «[لَا جُنَاحَ عَلَیْهِمْ](#)» این معنا را استفاده کرد.

نتیجه پس ما نتیجه ی که از این آیه گرفتیم این شد که آیه شریفه از مختصات زنهای پیامبر است، مربوط به بحث حجاب اصطلاحی (پوشش) نیست و اصلاً ارتباطی به او ندارد و هر آنچه که دلالت هم دارد ما از آن تعمیم را نمی‌توانیم استفاده کنیم

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.